

جنسیت و زبان شناسی اجتماعی

عباس محمدی اصل



نشر گل آذین

تأسیس ۱۳۷۷

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۵	کلیات
۳۱	تمهیدات
۴۹	فصل اول. زمینه نظری
۴۹	۱. شناخت جنسیت در زبان
۵۷	۲. گفتمان جنسیتی
۶۷	۳. برچسب‌های جنسیتی
۷۶	۴. گونه‌های زبان جنسیتی
۸۴	۵. تکلم و تمایل
۹۰	۶. جنسیت ادبی
۹۷	فصل دوم. تعامل کلامی
۹۷	۱. زن و قدرت زبان
۱۰۵	۲. زبان خانوادگی جنسیت
۱۱۴	۳. جنسیت و ارتباطات فنی نوین
۱۲۰	۴. جنسیت و زبان حال کودکان
۱۲۷	۵. ایدئولوژی جنسیتی و گفتمان

۱۳۵ فصل سوم. زبان و زن بودن
۱۳۵ ۱. رژیم زبان جنسیتی
۱۳۸ ۲. جستجوی زبانی منزلت جنسیتی
۱۴۹ ۳. سازمان‌یابی جنسیت در متن کلام
۱۵۳ ۴. انتظارات متکلم و هویت جنسیتی
۱۶۰ ۵. بلوغ کلامی جنسیت
۱۶۹ ۶. تجدد کلامی جنسیت
۱۷۳ ۷. جنسیت و قومیت در متن کلام
۱۷۷ فصل چهارم. جنسیت در افکار قالبی و هنجارها
۱۷۷ ۱. جنسیت و ایدئولوژی‌های زبانی
۱۸۳ ۲. افکار قالبی جنسیتی
۱۸۸ ۳. جنسیت و هویت
۲۰۲ ۴. منزلت فرهنگی جنسیت
۲۰۷ ۵. هویت ارتباطاتی جنسیت
۲۱۴ ۶. جنسیت زبان
۲۲۱ فصل پنجم. نهاد زبان
۲۲۱ ۱. زبان شغلی
۲۲۷ ۲. زبان و اقتدارکاری
۲۳۱ ۳. زبان و مدرسه
۲۳۴ ۴. زبان تعرض
۲۳۹ ۵. زبان قانون
۲۴۴ ۶. چشم‌انداز کلامی جنسیت
۲۵۰ منابع

کلیات

غالباً چنین به نظر می‌رسد ما زبان را همانگونه که می‌خواهیم به کار می‌گیریم. مع‌هذا نباید فراموش کنیم ما عمدتاً محصول شیوه سخنگویی خویش هستیم. این بدان معنا است که زبان صرفاً واقعیت اجتماعی را منعکس نمی‌کند؛ بل جهان‌بینی و خودیابی ما را نیز رقم می‌زند. زبان، مکون و شاخص واقعیت اجتماعی است و از این رو موجد و محافظ روابط اجتماعی و خصوصاً مناسبات اقتدارآمیز و ارزش‌ها و هویات آن به شمار می‌آید و در عین حال چون «گفتمان خنثی وجود ندارد و ما در سخنگویی به انتخاب نظام‌های مختلف معانی و شبکه‌های متفاوت ارزشی می‌پردازیم» (Coates, 1998:302)؛ زبان قادر است روزمرگی را هم به نفع تغییر اجتماعی پشت سرگذارد. در زمینه تاثیر زبان بر جهان‌بینی کافی است به یاد آوریم هرگاه لفظ قاضی را می‌شنویم، آن را با جنس مذکر تداعی می‌کنیم؛ ولی جنس مؤنث را از لفظ پرستار جدا نمی‌دانیم. به علاوه این زبان است که ما را از وقوع خشونت و جنگ و تورم آگاه می‌کند و آماده‌مان می‌سازد ارزش‌های متفاوتی روی خودی و غریبه بگذاریم یا کوچک‌ترها را به تبعیت از بزرگ‌ترها واداریم. زبان، آدم‌کشی را تقبیح می‌کند؛ اما کشتن دیگران را در جنگ ارزش می‌نهد و همین پدیده در قالب نصایح، بر سمت و سوی رفتار ما مؤثر می‌افتد. بشایان توجه است زبان،

نظامی ایستا و بسته نبوده؛ دستگاہی پویا و باز و پیچیده و متغیر است که فاعل و مفعول گفتاری و شنیداری آن بسته به مقتضای زمان و مکان، معانی متفاوتی از این منبع مراد می‌کنند و درک چنین فرایندی را به لحاظ ریشه‌داری انتخابشان در متون اجتماعی - فرهنگی به صعوبت می‌افکنند. مثلاً گفتن و نوشتن راجع به موضوعی مانند سقط جنین بسته به محل بحث (مدرسه، مجلس قانونگذاری، رادیو و تلویزیون) یا گوینده و نویسنده (پزشک، وکیل، طرفدار حقوق زنان) یا هدف (حفظ وضع موجود، تغییر وضع موجود) یا دیدگاه‌های مخاطبین و خوانندگان (برحسب سن، جنس، تحصیلات، نژاد، طبقه، دین و انتظارات، تجارب، دانش، تخصص، تعهد) یا مفروضات (جایگاه اجتماعی زنان، توان تصمیم‌گیری، امنیت خانه‌داری، وفاداری جنسی) فرق می‌کند. بنابراین شناخت نقش زبان در ایجاد و استمرار روابط اجتماعی و از جمله روابط جنسیتی، منوط به بر رفتن از خود زبان و ورود به فرایندهای اجتماعی پیچیده‌تری است که زبان در قالب آنها به ایفای نقش می‌پردازد.

برای شناخت نسبت زبان با جنسیت، ابتدا باید میان جنسیت و جنس تمایز نهاد. همچنان که برآمد جنس به تمایزات و کارکردهای زیستی کالبد‌های مذکر و مؤنث ناظر است؛ اما جنسیت علیرغم این خصائص فیزیولوژیک، سازه‌ای اجتماعی - فرهنگی است که نقش و پایگاه زن و مرد بودن را تعیین می‌کند. برخی تجربیات زنان و مردان در قالب تمایزات جنسی، توضیح نمی‌یابد و به عبارتی در حالی که آدیان مذکر یا مؤنثند؛ اما به مراتب از زنانگی و مردانگی برخوردارند. همچنین بدان روی که مردانگی و زنانگی، آموختنی و انتقال‌پذیر است؛ لذا این ویژگی‌ها برحسب زمان و مکان یعنی از جامعه‌ای به جامعه دیگر یا از نسلی به نسل دیگر تمایز می‌جوید. نه تنها رفتار اجتماعی مردان و زنان برحسب اهداف

و منافع گروهی و اجتماعی، از وضعیتی به وضعیت دیگر فرق می‌کند؛ بلکه آنها به نحو فعال همین خصائص جنسیتی را بازتولید می‌نمایند. البته تمسک به توجیه زیستی تمایزات جنسی از کارکرد سیاسی تأکید بر مزیت مرد یا سنت‌مندی خانه‌داری زنانه حکایت دارد؛ چنانکه از این نگره مرد، نان‌آور و زن، طبیعتاً مادر و پرورنده است. در این صورت، مرد به شکل فعال و عاقل و شاغل جلوه می‌کند؛ در صورتی که زن، منفعل و عاطفی و خانه‌دار به نظر می‌آید. تحت این شرایط اما نگاه انتقادی به نابرابری‌های جنسیتی قادر است امکان نزدیک‌شدن دو جنس را به لحاظ زیستی به یکدیگر فراهم آورد و بلکه تربیت تک‌جنسی را به اتکای نفی جداسازی جنسی محیط تحصیل و کار یا مشابه‌سازی شرایط کار و اشتغال زنان و مردان، به یاری این وضعیت بفرستد.

در تحلیل نسبت جنس - جنسیت با زبان، ابتدا زبان زنان و مردان با علائم زیست‌شناختی مرتبط در نظر گرفته می‌شد و سپس رفته‌رفته زبان به عنوان کارگزار انتساب نمادین نقش‌های جنسیتی به حساب آمد. از منظر اول مثلاً تأکید می‌شد زنان صفات را با تأکید تفضیلی نظیر "زیباتر" یا "غمگین‌ترین" به کار می‌برند یا جملات را برای استمرار آن توسط دیگران نیمه‌کاره می‌گذارند و به زبان مردانه و رعایت ملاک‌هایش تمایل دارند. از منظر دوم اما مشخص گردید زنان و مردان هر یک به شیوه خاص خود زبان را به کار می‌گیرند و در این کاربرد، هویت خویش را می‌سازند. مثلاً زنان همچون طبقات پایین اجتماع، جملات را به نحو علی‌به‌کار نمی‌گیرند و سعی می‌کنند مانند کودکان با تداوم صحبت، نتیجه‌ای را به مخاطب برسانند. لذا اگر فرودستی پایگاه زنان رفع شود؛ زنان سخنوری به منصفه ظهور می‌رسند که می‌توانند مشاغل سخن‌پراکنی را در دستگاہ‌های معظم اجتماعی به انجام رسانند.